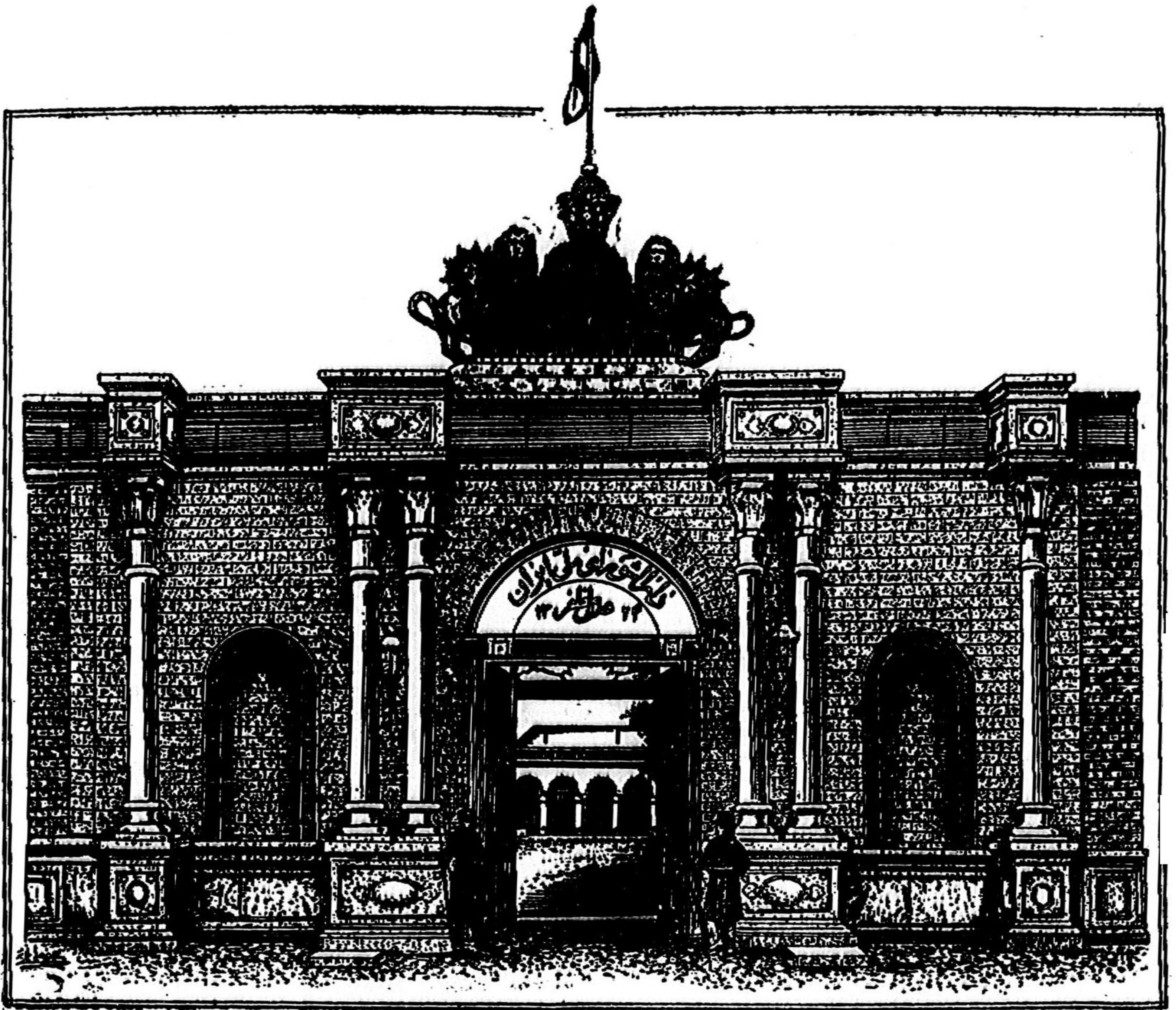


دوره ششم تقنینیه

جلسه ۱۱۲	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۷۷
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جاسه سه شنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ ذیقعده الحرام ۱۳۴۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ايران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قران

فهرست مندرجات

از صفحه	الی صفحه	عنوان	ردیف
۱۵۶۰	۱۵۵۳	بقیه شور اول نسبت بخیبر کمیسیون بودجه راجع به فروش خالصجات (ماده ۷ الی ماده ۹)	۱



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۹ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۹ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۱۲

غائبین با اجازه جلسه قبل	(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا)
آقایان: عمادی - اسفندیاری - نظام مافی - ضیاء -	تشکیل گردید
حشمتی - حیدری مگری - نوبخت - فرشی - دکتر لقمان	(صورت مجلس روز یکشنبه هفتم خرداد را آقای
زهیم -	بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علی خان اعظمی - دکتر مصدق - حاج حسن آقا ملک -

در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای قوام

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: مرضی قلیخان ببات - دشتی - پور تیمور - بهار رئیس - آقای پور تیمور

ملک ارج میرزا پور تیمور - بنده را جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که یکساعت بظهور مانده اجازه خواستم کتباً هم حضور خود تان تقدیم کردم.

رئیس - بکمیسرین عرایض و مرخصی مراجعه شده است. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آنجا در صورت مجلس نوشته بود خبر کمیسرین قوانین مالیه راجع بخالصجات در صورتیکه خبر کمیسرین بودجه بود شبروانی - صحیح است

رئیس - اصلاح میشود. صورت مجلس دیگر ابرادی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحیکه ذکر شد تصویب شد.

رئیس - لایحه فروش خالصجات از ماده هفتم مطرح است.

(ماده مزبور این قسم قرائت شد)

از کلیه املاک و اراضی خالصه که برطبق مدلول این قانون از طرف دولت فروخته میشود مالیات مطابق مقررات قانون مثل سایر املاک شخصی مطالبه و دریافت خواهد گردید.

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده با این ماده و اساس آن مخالفتی ندارم غیر از اینکه معتقدم باید يك طوری مطلب را نوشت که اسباب زحمت مردم نشود بعلاوه باید قيد شود مالیات ارضی که دیگر علاوه بر مالیات ارضی چیزی مطالبه نمایند. پیشنهادی هم در این خصوص تقدیم کرده ام و معتقدم ماده اینقسم تنظیم شود. از کلیه املاک و اراضی خالصه که بر طبق مدلول این قانون از طرف دولت فروخته میشود مالیات مطابق مقررات قانون مثل سایر املاک شخصی مطالبه میشود و هیچگونه مالیات و عوارض دیگری تعلق نمیگیرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است که قرائت می شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای سید یعقوب. پیشنهاد میکنم که این ماده حذف شود.

پیشنهاد آقای عدل. ماده ۷ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم: از کلیه املاک و اراضی خالصه که بر طبق مدلول این قانون فروخته میشود جز مالیاتهایی که مطابق مقررات قانون مثل سایر املاک شخصی مطالبه میشود هیچگونه مالیات و عوارض دیگر دریافت نخواهد شد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود در ماده هفتم سطر سوم کلمه شخصی تبدیل شود به (اربابی)

رئیس - ماده هشتم:

(اینقسم قرائت شد)

ماده هشتم - عواید حاصله از فروش خالصجات بمصرف سرمایه بانک دولتی که بموجب قانون جداگانه تأسیس میشود خواهد رسید.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده اینجا دو نظر در ماده دارم یکی اینکه مقصود از کلمه عواید را نمیدانم چیست. زیرا ملکی که فروخته شد فقط يك قیمتی از بابت آن گرفته میشود و عواید اینجا اصطلاحاً معمول است برای حاصلی که بدست میآید یعنی فایده ولی اینجا صحبت از فایده نیست و عقیده بنده این است که (عواید) باید تبدیل شود به (قیمت) ثانیاً در این ماده قانون بطور تمام مینویسد که قیمت حاصله از فروش املاک خالصه باید بمصرف سرمایه بانک برسد اگرچه در قانونی که برای تأسیس بانک دولتی گذشته است يك همچو ذکری در آنجا شده است ولی چون این قانون اختصاص دارد بفروش خالصه نمیدانم در کمیسرین بودجه این مسئله را در نظر گرفته اند که تمام عواید حاصله از فروش خالصه تخصیص بمسرمایه بانک داده خواهد شد و هیچ مورد دیگری نخواهد داشت یا خیر؟ این را خوبست توضیح بدهند.

شبروانی (مخبر کمیسرین بودجه) - ابراد اول نماینده محترم ابراد عبارت بود و تصور میکنم که مورد نداشته باشد زیرا اگر قیمت می نوشتیم تقریباً اطلاق میشد باینکه در یکسال یا در موقع فروش ما يك قیمتی را مطالبه بکنیم ولی چون این جا قیمت تدریجی گرفته میشود میتوان گفت يك عایدی سالانه ایست و مخصوصاً هم نوشته شده عایدی حاصله از فروش خالصه (گویا لایحه خدمتشان نباشد) یعنی بتدریج سال بسال يك مبلغی که بابت فروش خالصه عاید مان میشود جزو سرمایه بانک خواهد شد. اما قسمت دوم ابراد نماینده محترم را بنده درست ملتفت نشدم. آیا مقصود این بود که نباید این پول بمصرف سرمایه بانک برسد؟ اگر مقصود این است که عقیده کمیسرین برخلاف سابقه و عقیده ایشان است و عقیده دارد که منحصرأ این پول باید بمصرف تأسیس بانک برسد و گمان هم نمیکم که ایشان مخالف این مطلب باشند و ما هم پول فروش خالصجات را نمیخواهیم جزو عواید ملکی یعنی صرف تأسیس

میز و صندلی بکنیم منحصرأ باید صرف تاسیس بانک بشود و البته بموجب يك لایحه دیگری که ملاحظه فرمودید (لایحه توسعه اقتصادی) نصف سرمایه این بانک هم صرف کارهای اقتصادی و امور مفید و عام المنفعه در مملکت خواهد شد ، که در هر صورت از این ضرری که فعلاً ما برای فروش خالصجات می‌دهیم بهتر خواهد بود .

رئیس -- آقای عدل

میرزا یوسفخان (عدل) - عرض می‌شود . این خبر را بنده تصور میکنم آقای مخبر وقتی تنظیم کرده اند که هنوز قانون بانک نگذشته بود این است که این جا مینویسد : بموجب قانون جداگانه عوائد حاصله از فروش خالصجات بمصرف تاسیس بانک خواهد رسید در صورتیکه باید نوشت بموجب قانون مصوبه فلان تاریخ ، و همینطور هم پیشنهاد کرده ام .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس -- آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟

(گفته شد . بلی)

رئیس -- پیشنهادها قرائت می‌شود .

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در اول ماده ۸ کله عوائد مبدل شود به قیمت « کیخسرو »

بنده پیشنهاد میکنم ماده هشتم اینطور اصلاح شود ماده هشتم - وجوه حاصله از فروش خالصجات فقط بر سرمایه دولتی که بموجب قانون جداگانه تاسیس می‌شود اضافه خواهد شد .

پیشنهاد میکنم در ماده ۸ اصلاح عبارتی ذیل بعمل آید . عوائد حاصله از فروش خالصجات بمصرف سرمایه بانک ملی ایران که بموجب قانون مصوب اردی بهشت ۱۳۰۶ تاسیس میشود خواهد رسید . دکتر طاهری بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۸ عوض بانک دولتی

نوشته شود . بانک فلاحی « بدالله‌دستان »

بودند و مجلس را به ستوه آوردند . دو سال تمام تحقیقات میکردیم دیدیم يك طلبهائی دارند . آمدیم نشستیم و برای حفظ حقوق آن بدبختان يك قانونی گذرانیدیم که دولت وارد شود و طلب آنها را مرتب کند و بدهد حالا آقایان را دعوت میکنم به کمیسیون بودجه به بینند نظر قانون گذارها در دادن دین دولت چه بوده و حالا به چه صورتی در آورده اند . تمام مأمورین مالیه طلبکار شده اند ، تحصیلداران مالیه طلبکار شده اند و عموم طلبکارها را ملاحظه بفرمائید مأمورین مالیه اند . بنده به آقای شیروانی که میخواهند مدافع باشند عرض میکنم که اینجا نوشته است طلبکاران مسلم دولت ، خوب است این عبارت را از این جا برداریم ، چرا ؟ برای اینکه همین مسئله باعث سوء استفاده در موقع اجرا میشود و همه ماها گرفتار خواهیم شد . این جا اگر ما بنویسیم طلبکاران مسلم دولت پس فردا است که تحقیقات میکنند و از توی کاغذ پاره ها بقدری دفترها در می‌آید که چه عرض کنم و این چهار تکه خالصه هم که داریم يك کمیسویی تشکیل میشود و این خالصجاتی را که ما میخواهیم بعد از همه بدبختیها سرمایه برای بانک قرار دهیم و با يك زنبی این مؤسسه را تاسیس نمائیم ضم میکنیم بمأمورین مالیه . (صحیح است) این است که بنده حقیقه (چون آدم مارگریده از بند سیاه و سفید میترسد) عرض میکنم که با این ماده مخالفم . اگر کسی از دولت طلب دارد عدلیه مرتب است برود در عدلیه ، مدعی العموم است ، عرضحال بدهد و ثابت کند و دین دولت را از آن محلی که معین شده است بدهند . اگر ما بیائیم خالصه را محل دین دولت قرار دهیم با خزانه را محل دین قرار دهیم و وزارت مالیه را هم قاضی نمائیم که قضاوت کند امانت مالیه را طلبکار قرار خواهد داد نه آن بدبخت هائی را که اینجا متحصن بودند ، چون آن قانون گذشته است امیدوارم این عرایض صادقانه بنده در نمایندگان اثر بکند و پیشنهاد کنیم عجاله آن

قانون را ملغی نمائیم و عدلیه هست هر کسی از دولت طلب دارد میرود به عدلیه که مرجع تظلمات عمومی است ، آنجا عارض میشود و از خزانه دولت طلب او را میدهند . و الا ما وزارت مالیه را قاضی قرار دهیم و قضاوت کند نتیجه اش این میشود که الان شده است و باید آقایان بروند در کمیسیون به بینند . مخبر - همانطور که نماینده محترم فرمودند در نتیجه سوء اجرای يك قوانینی يك عیبهای پیدا میشود و بالاخره ما گاهی جنبه افراط و تفریط را می‌گیریم . بنده تصدیق می‌کنم این عیبهای را که نماینده محترم راجع به آن قانون فرمودند ولی این در نتیجه سوء اجراء است برای اینکه آوردند جلوی چشم خودمان و دیدیم که میخواهند چه بکنند ، ولی این مستلزم این نخواهد شد که یکمده طلبکاران حقیقی دولت که پول داده اند جنس داده اند هستیشان رفته است از طلب خود محروم شوند . لایحه که اخیراً به مجلس آورده اند و به کمیسیون بودجه ارجاع شده است که تقریباً صد و بیست سی هزار تومان باشد بنده اطلاع دارم که در آن اقلامی هست که صاحب طلب خودش اطلاع ندارد . دبروز مخصوصاً يك شخصی آمده بود منزل من به او گفتم که من اسم شمارا در آن لایحه دیدم تعجب کرد و معلوم شد که يك شخص دیگری قبض او را خریده است و بعد که تحقیق کردم تومان ده شاهی و بکفران قبض خود را فروخته بود . باین ترتیب این صورتی را که آورده اند اداره محاسبات مرتب کرده است و صورت يك لایحه صد و بیست هزار تومانی داده و آورده است به مجلس و شاید از این صد و بیست هزار تومان صد هزار تومانش نوبی همان اداره محاسبات فرومیرود . ولی در عین حال خودشان فرمودند که یکمده طلبکار مسلم هم دولت دارد مثلاً بکنفری که جزء آن متحصنین بوده است میگوید من جواهر خریدم برای شاه سابق و جواهرات من عیناً از آن زرگری که خریده ام معین است و معین است که در فلان

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۸ عوض بانک دولتی نوشته شود . (بانک فلاحی و بانک دولتی) .

« سهراب ساکینیان »

ماده ۸ - را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم .

ماده هشتم - کلیه وجوه حاصله از فروش خالصجات بمصرف سرمایه بانک دولتی که بموجب قانون جداگانه تاسیس می‌شود خواهد رسید . « امیر تیمور »

ماده ۸ را بترتیب ذیل پیشنهاد می‌نماید . عوائد حاصله از فروش خالصجات بمصرف سرمایه بانک که بموجب قانون مصوبه چهاردهم اردیبهشت تاسیس میشود خواهد رسید « عدل »

پیشنهاد میکنم که ماده ۸ بقرار ذیل نوشته شود : تمام وجوه حاصله از فروش خالصجات برای سرمایه بانک دولتی که موافق قانون مصوب تاسیس خواهد شد تخصیص داده خواهد شد « کازرونی »

رئیس -- ماده نهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که از اتباع ایران میباشد در صد خریداری یکی از املاک خالصه بر آید دولت اعتباری معادل مبلغی که بر طبق قانون مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ در وجه او لازم التادیه باشد بمشار الیه اعطا خواهد نمود

تبصره - معادل مبلغی که در حساب دیون دولت بابت قیمت خالصجات محسوب می‌شود از خزانه دولت بمسرمایه بانک اضافه خواهد شد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - هر قانونی که از مجلس میگذرد اول با يك شوق و يك عقیده و حقیقه با يك عقیده صاف و صحیحی از مجلس میگذرد بعد که آن قانون به اجرا میرود يك طوری اجرا میشود که قانون گذار میگوید ، ایکاش من نبودم که این قانون را بگذرانم .

سال گذشته جماعتی بیچاره و بدبخت در مجلس متحصن

نقطه خزانه گذاشته شده است، آن زرگر هم بابت قیمة همین جواهر رفته است عدلیه و شکایت کرده و ملک مرا در مقابل پول جواهر برده است، این جریان این کار، این هم حکم عدلیه بعد وزارت مالیه در جواب ادعای او مینویسد: (چنانچه بنده اطلاع پیدا کردم) که این قبیل طلب های مشکوک را نمیشود داد و بفوریت اظهار عقیده کرد باید در این باب بکفدری مطالعه کرد و با مستوفیها مشورت کرد تا معلوم شود. آنوقت در این لایحه يك قسمی را دیدم که نوشته است چند هزار تومان طلب مستأجر خالصه فشافویه، بنده تعجب کردم که مستأجر باید بدهکار دولت باشد. آیا زیادی داده است آیا در دنیا هیچ مستأجری پیدا میشود که علاوه بر مال الاجاره يك چیزی هم اضافه بدهد؟! چندین قلم اینطور در این لایحه که آورده اند هست، ولی چندین قلم هم هست که حتماً از دولت طلبکارند. مثلاً فلان سمسار بازار رفته است مقداری پارچه به اداره ژاندارمری فرخته است و هفتصد هشتصد تومان طلبکار است. این را البته باید طلبش را داد و سایر کسانی که طلب حقیقی و مسلم دارند باید طلبشان داده شود. و اگر عقیده شخصی بنده را بخواهید باید برای اعتبار دولت منافع طلب آنها را هم بدهیم. وقتی که از این مرحله گذشتیم باید بفهمیم مستخدمینی که طلب دارند آیا طلبشان حق است و خدمات مشععی کرده اند و این طلبی که دارند واقعاً يك همچو صورتی را دارد وقتیکه معلوم شد باید طلب آنها را هم بدهیم. پس اینکه میفرمایند ما آن قانون را لغو کنیم، صلاح نیست. باید آن قانون به قوه خودش باقی باشد و آن دوست و ده هزار تومانی که به دولت اعتبار دادیم به نحو مخصوص است نه اینکه يك عده را بدهد و عده را ندهد. اما اینکه فرمودند که ما این ماده را برداریم، بنده در این ماده ضرری نمی بینم بخصوص وقتی که آن جمله را که در کمیسیون ضمیمه کردیم در نظر گرفته شود و آن

این است که معادل آن طلبی که از طلب طلب کاران دولت کسر میکنیم باید از خزانه دولت بسرمایه بانک اضافه کنیم، اگر يك طلبکار مسلم دولت یعنی آن کسی را که بالاخره بنده و شما تصویب می کنیم که طلبکار مسلم است بتوانیم يك ملک خالصه را در مقابل طلبش باو بدهیم ضرری برای مملکت ندارد بلکه برای آن ملک خالصه نفع دارد و معادل همین پول از خزانه دولت بسرمایه بانک افزوده میشود و هیچ ضرری هم ندارد. بنده عقیده ام این است که ما هیچوقت جنبه افراط و تفریط را نه بینائیم یعنی بدهی خودمان را بدهیم و این پولهای هجوی هم که میخواهند مثل آن لایحه از ما بگیرند ندهیم

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- بنده موافقم

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- بنده موافقم.

رئیس -- آقای حاج رضا

حاج آقا رضا رفیع -- بنده هم تعقیب میکنم فرمایشات نماینده محترم را باینکه اگر ما بخواهیم باشخاصی که طلبکار دولت هستند ملک بدهیم عقیده بنده این است که هیچوقت برای بانک سرمایه جمع نخواهد شد و بالاخره همان معاملاتی که ما شخصاً با مردم داریم بانک هم مثل سایر افراد مردم است اگر قرض داریم باید بدهیم ملک هم باید سر جای خودش باقی بماند برای اینکه اگر بنا باشد که این اسم رویش گذاشته شود هیچوقت بانک تشکیل نمیشود و املاک خالصه بین آقایان طلبکارها تقسیم میشود با آن صورتی که ما در کمیسیون دیدیم که آقای شیروانی بین صد قلم چند قلم پیدا کردند که جزء طلبکاران حقیقی دولت بودند و باقیش يك چیزهایی است که ما نمیتوانیم قبول کنیم بنده گمان میکنم که هر يك از طلبکاران دولت باید محاکم صالحه رجوع کنند اگر طلب ایشان ثابت شد البته

باید پولشان را بدهیم ولی اگر بنده مقروض کسی باشم و پول داشته باشم و ندهم آنوقت بخوام ملک بفروشم و دین خود را بدهم این غلط است این ملک را که ما میخواهیم بفروشیم برای تهیه سرمایه بانک است و الا اگر چنانچه بنا باشد بین طلبکارهای دولت تقسیم کنیم هیچ فایده ندارد و برای بانک هم سرمایه تهیه نمیشود رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- بنده گمان میکنم که آقایان در این مسئله اختلاف نظری نداشته باشند که مجلس شورای ملی و دولت های وقت بایستی اهتمام کنند که امضای دولت معتبر باشد و این مسئله برای مملکت ایران و اعتبارات دولت ایران فوق العاده اهمیت دارد و متأسفانه قبل از ورود مسیون امریکائی به این مملکت جریان امور مالیه مملکت ما چندین مرتبه مرتب نبود و يك نوشتهجات و اسنادی در دست مردم و ملت ایران باقی ماند و قضاوت را هم که بعضی از آقایان میفرمایند که بروند در عدلیه بنده چندان مفید نمیدانم زیرا اگر وزارت مالیه تصدیق کرد دیگر به يك بیچاره نمیشود گفت که مدعی علیه تو مقرر است به اینکه تو طلبکار هستی ولی برو عارض شو این خوب ترتیبی نیست و باید وزارت مالیه ترتیب نادیده این را بدهد و قضاوت عدلیه وقتی لزوم پیدا میکند که وزارت مالیه کاملاً منکر باشد اگر به قانونی که ما در دوره پنجم تصویب کردیم مراجعه بفرمائید در آنجا قید شده است. طلب های مسلم که صورت ریز آن بمجلس تقدیم میشود و تصویب میشود يك صورت صدور بیست هزار تومان به اسامی اشخاص مختلف آورده اند در کمیسیون بودجه. این البته باید رسیدگی بشود و به بینیم که واقعاً آنها طلبکارند یا نه؟ و این تصدیقی که وزارت مالیه کرده است صحیح است یا قابل تردید است. در هر حال اگر وزارت مالیه تصدیق بدهد که فلان شخص از دولت طلبکار است (و همانطور که آقای شیروانی فرمودند ممکن است زندگانی آن شخص

در اثر این طلب از دست رفته باشد) باید سعی کرد و اهتمام کرد که زودتر به طلب خودش برسد. و این ماده هم منافی با اینکه باید وجوه حاصله که در قبال این معامله حاصل میشود بمصرف بانک برسد نیست گویا آقایان دقت فرمودند در این ماده نوشته شده است خزانه که بده کار است به اشخاص و طلبکاران مسلم دولت پول میدهد به بانک بابت سرمایه که از فروش خالصه بدست می آید فرض فرمائید بنده هزار تومان از دولت طلبکار هستم يك چیزی که قیمتش هزار تومان است در مقابل این طلب به بنده میدهد آنوقت خزانه هزار تومان میدهد به بانک و ما بانک حساب میکنم و هیچ تفاوتی از این حیث حاصل نمیشود. بالاخره يك اشخاصی از دولت طلب دارند و دولت هم بدهکار است يك املاکی را میدهند دستشان آنها هم میروند بی کارشان از آنطرف هم خزانه سرمایه بانک را میپردازد و این هیچ منافاتی با مقصود آقایان ندارد.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است
کازرونی -- بنده با کفایت مذاکرات مخالفم
رئیس -- بفرمائید

کازرونی -- بنده عقیده ام اینست که این ماده فوق العاده مهم است و چنانچه بهمین حالت باقی بماند همان طور که آقای شیروانی فرمودند يك طوری حیف و میل میشود که ما مقصود نبرسیم در هر صورت نظر باینکه دلائلی هست که بودن این ماده در اینجا لزومی ندارد باید نظریات آقایان در این ماده اظهار شود و مطلب مکشوف گردد که برای شورائی اصلاح بعمل آمده باشد از این جهت بنده مذاکرات را کافی نمیدانم

رئیس -- چون عده برای رأی گرفتن کافی نیست
طبعاً مذاکرات باید ادامه پیدا کند. آقای بامداد
بامداد -- موافقم
رئیس -- آقای حقنویس

حقنویس - بنده هم موافقم

رئیس -- آقای مدرس

مدرس - مخالفت بنده بر خلاف همه آقایان با آن جزء اخیر ماده است که میگوید: طلب مردم را بر طبق آن قانون مصوب سابق بدهیم. و الا طلبکار یعنی طلبکار مسلم. موضوع مسئله این است که طلبکار و قوی که طلبش مسلم شد باید پول بهش داد. حالا پول بهش بدهیم یا ملک بهش بدهیم و پولش را بگذاریم نوی بانک این را حکمیت بفرمائید. طلبکار مسلم یعنی طلبکاری که باید پول بهش داد. ما میگوئیم معادل طلبش ملک بهش بدهید و پولش را بگذارید در بانک آقایان میفرمایند روانه اش کنید عدلیه که تا قیامت آیا چیزی گیرش بیاید یا نه بعقیده من طلبکار مسلم را ما نباید مسامحه کنیم مخالفت بنده بر جزء اخیر قانون است و پیشنهادی هم کردم. چرا پول طلبکار داخله مان را بر طبق قانونی که گذشت و بنده مخالفت کردم بیست ساله بدهیم ولی طلبکار خارجه را برروز بود که در مجلس با عجله تصویب شد و چهار صد هزار تومان پول بهش دادیم. طلبکار را باید از نقد مال بهش داد آخر ما يك قانونی هم داریم حالا اعتبار دولت بجای خودش بعقیده من هر طلبکار مسلمی را معادل طلبش باید ملک بهش داد و پولش را گذاشت توی بانک بنده با آن قید مخالفت هستم که بیست ساله بهش بدهیم چنانچه آن طلبکار دولت ملک بخواد باید دفعه بقدر طلب او ملک باو بدهیم و وجه آن را بتدریج در بانک بگذاریم نه اینکه ملک را بتدریج بدهیم.

مخبر - عرض میکنم این ماده و آن قانونی که از مجلس گذشته اگر با هم تطبیق کنیم نظریه آقای مدرس نامین خواهد شد برای اینکه ما مبلغی دیون داخلی داریم که این با سالی دو بیست و ده هزار تومان نامین نمیشود در قانون مصرح است که ما بیش از دو بیست و ده هزار تومان در سال نمیتوانیم به طلبکار بدهیم.....

مدرس - نسخ کنید آن را

مخبر -- وزارت مالیه عملاً نسخ کرده است به این معنی که يك لا یحیه آورده است بمبلغ صد و بیست هزار تومان بنام طلب يك اشخاصی که شاید طلبکار هم نیستند و آنوقت طلب مسلم يك اشخاص دیگر مانده است برای بیست سال دیگر. و این مضر است و اگر ما نتوانستیم يك قانونی بگذاریم که يك پولی را که بتدریج باید بگیریم و يك پولی را هم که بتدریج بدهیم یعنی پول خالصجات را اشخاصی که میخرند از طلبکار یا غیر طلبکار ده ساله متدرجاً دهند و يك طلبی هم که بنده از دولت دارم متدرجاً در ظرف ده سال بگیرم آنوقت اگر همان طلب را بای ملک کم بگذاریم منظور هم بعمل آمده است پولی را که من ده ساله باید بگیرم بهمان ترتیب ملک بگیرم و پولی را هم که دولت باید ده ساله بمن بدهد به بانک میدهد و تصور میکنم اشکالی نداشته باشد

رئیس -- آقای دهستانی

میرزا بدالله خان (دهستانی) - بنده موافقم

رئیس -- آقای عدل

عدل - موافقم.

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده هم همانطور که آقای مدرس فرمودند عقیده ام این است که هر کس طلب مسلم دارد باید طلبش را داد و هیچکس هم مخالف این مسئله نیست اما متأسفانه نمیدانم کی تعیین میکنند که این طلب مسلم است و اگر چنانچه باین ترتیب اختیار داده شود گمان نمیکم مأموق بداشتن بانک بشویم خالصجات هم از بین میروند هزار فقره طلب مسلم را در عرض پنجروز میشود معین کرد و این محل تردید نیست خوبست ما طلب های مسلم را بهمان ترتیب قانونی خودش بدهیم و وجه خالصه را هم بمصرف خودش برسانیم که هم بانک از بین نرفته باشد و هم خالصجات بمصرف فروش رسیده باشد حالا

طلبکار را که لازم نیست ملک بهش بدهند پولش را بدهند خودش میداند میخواد ملک میخورد نمیخواد نمیخورد چرا شما او را مجبور میکنید که در مقابل طلبش حتماً باید ملک بردارد. باین ملاحظه بنده مخالفم.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد - آقای فیروز آبادی و سایر آقایان مخالف با اینکه باید طلب را داد نیستند فقط صحبت در طرز اجراء است در تمام قوانینی که ما از مجلس می گذاریم این اختلاف هست ماده می گوید طلبکار دولت را باید جواب داد البته بقول آقای مدرس باید از نقد وجوه داد حالا ماده می گوید ملک بهش بدهید خوب این بصره دولت است شما می فرمائید املاک خالصه پولش بتدریج به بانک برسد و به طلبکارها نقداً پول بدهیم شما صرفه

را وارونه ملاحظه کرده اید به قول منطقی ها قضیه شرطیه وضع مقدم لازم ندارد اگر کسی مسلم شد که طلبکار است بیاید و مثل سایرین ملک بر دارد شما میفرمائید نقد بدهید این بصره دولت نیست. زیرا دولت می خواهد تخلیه بد کند از این املاک که در نتیجه مردم بروند و زراعت کنند و آباد کنند حالا خواه طلبکار باشند یا غیر طلبکار. بنا بر این هیچ اشکالی باقی نمی ماند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- چون عده برای مذاکره هم کافی نیست

لذا چند دقیقه تنفس داده میشود

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)